

نیایش در حماسه‌های مهم جهان

دکتر امیر اسماعیل آذر^۱ - راهب عارفی^۲
(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۰۶، تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۰۷)

چکیده

در این نوشتار ما به ریشه‌یابی نماز و نیایش به عنوان خصیصه مشترک بین تمام قهرمانان حماسه‌های جهانی پرداخته و تفاوت‌های آیینی و عبادی آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم. به این پرسش که آیا قهرمانان حماسه‌ها افرادی خودخواه و متکبر بودند یا افرادی متواضع و فروتن و در مواقع حساس از نیروی لایزالی الهی کمک می‌جستند پاسخ داده می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا می‌باشد.

در این جستار، به اهمیت نماز و نیایش به عنوان یک نیروی ماوراء طبیعی و انرژی‌زا در مواقع حساس و بحرانی در قهرمانان حماسه‌های مشهور پی برده‌ایم و اینکه آنان برای نیایش از روشها و آیینهای بخصوصی در مکانهای ویژه‌ای پناه می‌بردند و از خدای قادر خود کمک و استعانت می‌جستند تا بر نیروهای اهریمنی فایق آیند.

نماز و نیایش با خدا و حس پرستش از همان عصر ظهور و پیدایش آدمی در کره خاکی با نوع بشر زاده شده است. زمانی که حضرت آدم ابوالبشر (ع) به زمین هبوط کرد تا خطای او را نادیده بگیرد. با مطالعه و بررسی نقاشی‌های بجای مانده در غارها و میراث کهن انسان‌های اولیه، این حس پرستش در آنان کامل مشهود است.

بعدها با خلق حماسه‌های بزرگی چون شاهنامه، ایللیاد، انداید، اودیسه، مهابارات که تجلیگاه اسطوره‌ها و فرهنگ‌های کهن بشری هستند، به وضوح، شاهد نماز و نیایش و حس پرستش در بین قهرمانان اساطیری این حماسه‌ها هستیم که ریشه در تاریخ کهن بشری دارد.

واژگان کلیدی

نماز، نیایش، ایللیاد، انه اید، شاهنامه، اودیسه، مهابارت

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران
۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران rashed1829@yahoo.com

مقدمه

حس نیایش و پرستش، یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می‌دهد که نیایش هر زمان با انسان همراه بوده و تنها نوع و معبود آن تفاوت یافته است. پیامبران پرستش را به ارمغان نیاورده‌اند، بلکه نوع پرستش را-یعنی آداب و اعمالی که باید به آن شکل صورت گیرد-به بشر آموختند و دیگر این که انسان‌ها را از پرستش غیر ذات یگانه بازداشتند. انسان از بدو آفرینش از داشتن خداوندی که مورد پرستش قرار گیرد بی‌نیاز نبوده است و در حقیقت پرستش جزء لاینفک فطرت بشری است.

از نظر برخی علمای دین‌شناسی بشر از همان ابتدا یگانه‌پرست بوده است، پرستش بت، ماه و یا ستاره از نوع انحراف‌هایی است که بعد رخ داده است. یعنی چنین نبوده که بشر پرستش را از بت یا انسان یا مخلوقی دیگر آغاز کرده باشد و تدریجاً با تکامل تمدن به پرستش خدای یگانه رسیده باشد. حس پرستش که از آن به حس دینی تعبیر می‌شود در عموم افراد بشر وجود دارد و همگان ناگزیر از پرستش هستند. این جستار نماز، آیین آن و روش‌ها و اعمال عبادی و مکان‌های عبادت را در چند اثر حماسی برجسته جهانی مورد مذاقه و بررسی قرار داده است.

نماز در واژه خدمت و بندگی در برابر معبود است (فرهنگ دهخدا)، سجود و سر بر زمین

نهادن (برهان قاطع). سر فرود آوردن برای تعظیم است همان‌طور که نماز بردن به معنای پرستش کردن و خم شدن یا به خاک افتادن به قصد تعظیم بوده در برابر واژه نماز واژه‌ای فارسی است که ایرانیان برای واژه «صلاة» عربی به کار بردند. این واژه به معنای خم شدن، سرفروآوری برای ستایش پروردگار، احترام و اظهار بندگی و اطاعت است (فرهنگ فارسی عمید فرهنگ واژه دهخدا).

واژه نماز نام‌واژه‌ای از فعل نمیدن فارسی به معنی تعظیم کردن است. برخی حدس زده‌اند که این واژه از واژه «ناماسته» در زبان سانسکریت گرفته شده باشد که محتمل نیست (رستمی، ۱۳۷۸: ۹۵).

مفهوم شناسی

«صلاه» که در زبان شرع برای فعل عبادی خاصی یعنی همان «نماز» قرار داده است، در لغت به معنای دعا، استغفار، رحمت و مغفرت، ثنای نیکو، درود و تعظیم است و اگر به خداوند نسبت داده شود، به معنای رحمت و ثنای بر بندگان می‌باشد و در اصطلاح نیز به عملی عبادی اطلاق می‌شود که متشکل از اجزاء و شرائط خاصی است و باید با قصد قربت به پروردگار هر روز در پنج نوبت به جا آورده شود. «صلاه» یا نماز به عنوان فعلی عبادی که به منظور دعا و نیز تعظیم الهی انجام می‌شود، یکی از مشترکات ادیان الهی است، هرچند شکل و

نحوه انجام آن در ادیان مختلف متفاوت می‌باشد. از همین روست که در قاموس کتاب مقدس در معنای واژه نماز آمده است: «نماز معروف است و یکی از واجبات دینیه هر روز تمام ملل و مذاهب است، چه منفرداً و چه جماعتاً. . .» و پس از آن به شرح معنای نماز بر مبنای تورات و انجیل پرداخته تا آنکه می‌نویسد: «احدی جز منکرین خدا، منکر نماز و دعا نیست. . .».

محمد مسعود نوروزی معتقد است کلمه نماز از ریشه نماچ که در پارسی میانه (پهلوی زمان ساسانیان) است گرفته شده و فعل نماچ پورتن به معنای نماز بردن و تعظیم کردن به کار رفته است؛ و قبل از آن در ایران باستان از ریشه نم به معنای خم شدن و سر فرو آوردن مشتق شده است. در اوستا نماز به صورت نمنگه یا نمه به معنای دعا و درود آمده است (نوروزی، ۱۳۹۰: ۴۶).

پیشینه تاریخی نیایش

یکی از قدیمی‌ترین عباداتی که در تمامی ادیان گذشته وجود داشته، نیایش و نماز است. در برخی از روایات به نماز تعدادی از انبیاء الهی از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم -صلی الله و علیه و آله و سلم- اشاره شده است که برخی از آنها به این شرح است:

۱- نماز حضرت آدم علیه السلام: از صُحُف حضرت ادریس نقل شده که در نخستین روز اقامت حضرت آدم و حوا در زمین، خداوند، نماز عصر و مغرب و عشاء را مجموعاً ۵۰

رکعت به حضرت آدم واجب کرد.

۲- نماز حضرت شیث علیه السلام: وقتی حضرت آدم علیه السلام فوت کرد حضرت شیث علیه السلام او را غسل داد و بر وی نماز خواند.

۳- نماز حضرت ادریس علیه السلام: در روایت امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود سفارش می‌فرمایند: وقتی به مسجد کوفه شرفیاب شدی به مسجد سهله نیز برو در آنجا نماز بخوان و از خدا طلب حاجت کن زیرا مسجد سهله خانه حضرت ادریس علیه السلام است که در آن خیاطی می‌کرد و در آن نماز می‌خواند.

۴- نماز حضرت نوح علیه السلام: کشتی نوح دارای پنجره‌ها و سوراخ‌هایی بود که از آن نور خورشید به داخل منعکس می‌شد و از این طریق وقت نماز را تعیین می‌کردند.

۵- نماز حضرت شعیب علیه السلام: در آیه ۸۸ سوره هود آمده است: «گفتند ای شعیب آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند ترک گوئیم و آنچه را می‌خواهیم، در اموالمان انجام ندهیم؟ که همانا تو مرد بردبار و رشیدی هستی.»

این جمله گفتار مردم مدین در ردّ حجت شعیب است. اهل مدین دعوت شعیب را مستند به نماز او کردند، چون در نماز دعوت به معارضه با آن قوم در بت‌پرستی و کم فروشی آنهاست و این همان سرّی است که آنها از آن اینگونه تعبیر

کرده‌اند؛ «أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ...» یعنی آیا نمازت، تو را امر کرده که ما بت پرستی را ترک کنیم.

۶- نماز حضرت الیاس علیه السلام: روزی حضرت الیاس به گریه و زاری درآمد. خداوند به فرشته مرگ فرمود: از الیاس سؤال کن که سبب گریهات چیست؟ برای دنیا است و یا مرگ؟ حضرت الیاس جواب داد نه این است و نه آن است، بلکه گریه من به خاطر این است که دیگر زنده نخواهم بود تا به ذکر و مناجات خدا پردازم. خداوند به فرشته‌اش فرمود: از او دست بردار و روح او را قبض نکن چرا که او زندگی را برای بندگی و ذکر می‌خواهد (حسن‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۷).

نماز در مسیحیت

نماز در مسیحیت برای ارتباط با پدر یا خداوند و یا دیگر عناصر تثلیث یعنی پسر و یا روح القدس برگزار می‌شود. در میان فرقه‌های مختلف مسیحیت نماز به صورت‌های مختلف گزارده می‌شود. همچنین نمازها می‌تواند به صورت جمعی (نیایش سرایی) باشد مانند مراسم عشاء ربانی و یا به صورت فردی برگزار شود. درباره حضرت مسیح آیاتی در سوره مریم، نشانگر انجام این عبادت الهی، توسط آن حضرت است. خود حضرت عیسی فرمودند: «و اوصانی بالصلوة و الزکاة» یعنی خالق متعال مرا به نماز سفارش کرده که نه تنها نماز بخوانم بلکه نماز را در

جامعه گسترش دهم.

حضرت مسیح در جای دیگر می‌فرمایند: درست به شما می‌گویم: چیزی به شرف آخرت رساننده‌تر و در برابر حوادث دنیا کمک کننده تر از نماز پیوسته نیست و چیزی به خداوند رحمان نزدیک‌تر از آن نیست. پس آنرا بپا دارید و بر آن بیفزائید، نسبت به هر کار خوبی که به خدا نزدیک می‌کند، باز نماز بدو نزدیکتر و برگزیده‌تر است. دکتر احمد شلبی در کتاب خود می‌گوید: «مهم‌ترین عبادات نزد مسیحیان روزه و نماز است، ولی محدوده آنها متفق علیه نیست، بسیاری از مسیحیان معتقدند که انتظامات و قانون در روزه و نماز اختیاری است نه اجباری. مسیحیان هفت نماز در روز و شب دارند که عبارتند از: نماز صبحگاهان (بکور) و نماز ساعت سوم و ششم و نهم و یازدهم و دوازدهم و نیمه شب. و اهتمام و توجه آنها به نماز، بیشتر از روزه است و نماز، ترتیبی خاص ندارد.» همچنین در مورد کیفیت نماز عیسویان آمده است که هیئت خاصی در قیام و قعود نزد آنها مراعات نمی‌شود بلکه قصد کلی، نیت خالص و پاک و طهارت فکر می‌باشد. و بهترین نماز آن است که مختصر و مفید و با حرارت تقدیم شود.

اگر چه برخی از آداب نماز و نیایش کنونی مسیحیان مانند خطاب به اقنوم ثلاثه در نماز با وحی الهی سازگاری ندارد و تحریفاتی است که توسط کاهنان مسیحی با نظر خود وارد کتاب

آسمانی انجیل نموده و به عیسی نسبت داده‌اند، اما همین امر ما را به این نتیجه می‌رساند که اصل نماز در این شریعت الهی وجود داشته است (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

نماز در یهودیت

نماز در یهودیت (در عبری: תפילות) و در جمع تفیلیل یا تفیلول خوانده می‌شود. توضیحات دقیق در باب آن‌ها را می‌توان در سیدور یا بخش‌های میشنا کتب سنتی دعای دیانت یهودی جست.

معمولاً در هر روز سه نماز می‌خوانند و در روز شبات شنبه و سایر روزهای مقدس فرقه‌های ارتدکس و محافظه کار یک نماز اضافی هم به نام موسف خوانده می‌شود. زمانیکه حضرت موسی در جهت انجام رسالت الهی خویش به همراه همسرش از وطن هجرت کردند و دچار سختی‌ها شدند، خداوند برای آرامش او به وحی نمود که: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِي» یعنی نماز را برای یاد من بپادار. و در آیه دیگری به موسی و هارون دستور داده شده که نماز را به پا دارید. همچنین در قرآن کریم در آیه ۸۳ سوره بقره، ضمن اشاره به پیمانی که از بنی اسرائیل گرفته شده نماز به عنوان یکی از ارکان این پیمان شمرده شده است. در این آیه می‌خوانیم: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ

وَأَتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید؛ آنگاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید) این آیه بطور آشکار، به پا داشتن نماز را به عنوان میثاقی معرفی کرده که از بنی اسرائیل، دوشادوش مسأله عبادت خداوند و نیکی به والدین گرفته شده است. که این خود بیانگر اهمیت نماز در شریعت حضرت موسی است.

طبری در تفسیر خود، قول امام باقر (ع) را در مورد این آیه نقل می‌کند که حضرت فرمود: یهود و منافقین، مردم را به اقامه نماز و دادن زکات فرمان می‌دادند ولی خود انجام نمی‌دادند پس خداوند فرمان داد به آنها که با مسلمانان تصدیق کننده پیامبر باشند و اقامه نماز کنند. علاوه بر آیات، روایاتی نیز وجود دارد که به این مطلب اشاره دارند. در روایت آمده است که خدا به موسی می‌فرماید: بر تو باد نماز! زیرا آن جایگاهی خاص نزد من دارد و نزد من پیمانی محکم دارد. همین طور در خطابی دیگر به حضرت موسی (علیه السلام) دستور داده می‌شود در میان مردم خود امامت نمازشان را به عهده بگیرد: «ای موسی در نمازشان و آنچه اختلاف دارند امام باش» از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که نماز در

شریعت حضرت موسی نیز وجود داشته است و دعا و نیایش اوقات معینی داشته که براساس زمان‌های برگزاری مراسم عمومی قربانی در معبد تعیین می‌شده است (غمخوار، ۱۳۸۵: ۷۷)

نماز در دین زرتشتی

نماز یکی از عبادت‌های مزدیسنا است که برای داشتن توجه همیشگی به دستورهای دینی و سپاسگزاری خدا گزارده می‌شود. این دستورها عمدتاً ماهیتی اخلاقی دارند (تیواری ۱۱۹-۱۲۰ ماهنامه معارف).

امروزه نماز پنجگانه را معمولاً موبدان می‌گزارند و بیشتر زرتشتیان به خواندن دعا‌های صبحگاه و شامگاه اکتفا می‌کنند. نماز در دین زرتشت به اینصورت است که آتشی افروخته می‌شود و در حالی که دست‌ها به سوی آسمان بلند است و سر نیز به احترام تعظیم الهی خم شده، برگرد اهورا مزدا می‌چرخند و سرودها و شعرهایی نیز با آوازی رسا و زیبا خوانده می‌شود.

این نماز، نمازی بی‌پیرایه و همراه با تفکر در وجود خود و اهورا مزدا است که شخص را به اهورا مزدا نزدیک‌تر می‌کند. شخص زرتشتی در هنگام نماز، آتش سوزان مادی را نمی‌بیند و به آن توجهی نمی‌کند؛ بلکه چیزی که توجه او را جلب می‌کند، آتش فروزان مینوی است که در دل همه افراد وجود دارد.

بنابر سنت زرتشتی، پنج بار در شبانه روز نماز خوانده می‌شود که خواندن آن نیز بر آنها واجب

است. هر نماز با این مضامین آغاز می‌شود: «خشن‌اتره، اهورامزدا» یعنی خشنود می‌گردانم اهورا مزدا را. و آنگاه ادامه می‌دهند: «ایمان دارم به کیش مزدا پرستی که آورده زرتشت است. پیرو آموزه‌های اهورایی هستم که از دروغ و دوگانه پرستی به دور است».

زرتشتیان هر ۲۴ ساعت را به ۵ گاه تقسیم می‌کنند و آداب مذهبی تابع این زمان‌های مشخص هستند.

نمازهای پنجگانه به صورت زیر می‌باشد:

۱- نمازگاه هاون (هاونی، ونگاه): نماز بامداد است و هنگام آن از طلوع آفتاب تا نیمروز است. بعد از مضامینی که در بالا ذکر کردیم در ادامه می‌گویند: «من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم فرشته پاسبان بامداد پاک و سازنده را. من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم آن سرور دهکده (ویس) را که پاک و دادگستر و سازنده است.

۲- نمازگاه درپتون (رپیتون، رپیتوهنگاه) هنگام آن از نیمروز تا سه ساعت بعدازظهر است. بعد از فقرات ابتدایی می‌گویند: من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم فرشته پاسبان نیمروز پاک را (رپیتون). من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم آن سرور شهر (نه نتو) را که پاک و دادگستر و سازنده است.

۳- نمازگاه ازیران (ازیرینگاه) موقع آن از سه

به قبله مسلمانان - کعبه در مکه - بصورت فردی (فردا) یا گروهی (نماز جماعت) برگزار می‌شود.

در این عبادت در رکعت‌های اول و دوم سوره حمد و معمولاً آیه یا سوره کوتاهی از قرآن - مثل سوره توحید - و در رکعت‌های بعدی تعدادی اذکار به زبان عربی خوانده می‌شود. جزئیات این عبادت در فرقه‌های مختلف اسلام با هم تفاوت دارد (نجفی، ۱۳۷۴: ۸۷).

نماز یک فرهنگ جهانی است. نماز در قرآن با واژه صلاه مشخص شده است که به همراه مشتقاتش ۹۹ بار در قرآن تکرار شده است. (مسعودی، ۱۳۷۸: ۱۱۶) ریشه صلاه می‌تواند دارای سه معنی باشد:

از ریشه صل: شراب را از صافی می‌گذرانند و آن گاه ماده‌ای روشن و شفاف به دست می‌آورند
از ریشه صلی: سوزانیدن و گرم کردن
از ریشه وصل: ایجاد اتصال و ارتباط (همان، صص ۴۳-۴۶)

نماز در اهل سنت و جماعت

خواندن نماز به صورت دست بسته: اهل سنت در قیام نماز دست راست خود را روی دست چپ می‌گذارند و هر دو دست را روی ناف یا بالای آن قرار می‌دهند البته در این مسئله میان مذاهب چهارگانه اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد حنیفه شافعیه و حنبلیه این کار را لازم و یکی از سنت‌های نماز می‌دانند ولی مالکیه آن را لازم و سنت نمی‌دانند (عسکری، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

ساعت بعداز ظهر تا غروب آفتاب است. بعد از فقرات مشترکی که در همه نمازها وجود دارد، می‌گویند: من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم فرشته پاسبان پیشین پاک را. من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم آن سرور کشور (رفیو) را که پاک و دادگستر و سازنده است.

۴- نماز گاه سروترم: (ایویسروتیریم، ایویسروتیریمگاه) وقت آن از غروب آفتاب تا نیمه شب است. بعد از فقرات مشترک می‌گویند: من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم فرشته پاسبان شب پاک را. من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم همه رهروان راه اشویی زرتشت را و سرور اشوان را.

۵- نماز گاه اوشهی نای (اوشهین، اوشهین گاه) هنگام آن از نیمه شب تا طلوع خورشید است. بعد از مضامین: من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم فرشته پاسبان پگاه پاک را. من ستایش می‌کنم و ارج می‌نهم و خشنود می‌کنم آن سرور خانه که پاک و سازنده و دادگر است.

زرتشتیان، نمازهای دیگری نیز دارند که در شبانه روز می‌خوانند. معروف‌ترین این نمازها، نماز سروش باج است (قانع، ۱۳۸۶: ۹۵).

نماز در اسلام

نماز فرض پنج نوبت در شبانه روز (۱۷ رکعت) رو

برگرداندن صورت به چپ و راست در حال خواند سلام: شافعی‌ها و حنفی‌ها و حنبلی‌ها عقیده دارند که مستحب است نمازگزار در حال خواندن سلام نماز در سلام اول صورت خود را به طرف راست و در سلام دوم به طرف چپ برگرداند آن هم به اندازه‌ای که از پشت سر صورت او دیده شود. مالکی‌ها نیز این کار را مستحب می‌دانند ولی آن را به سلام آخر اختصاص داده‌اند. از نظر شیعه نمازگزار هنگام سلام نماز نباید صورتش از قبله منحرف شود (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۷۶).

عبور از مقابل نمازگزار: از نظر اهل سنت عبور کردن از مقابل نمازگزار حرام است حتی در بعضی از کتاب‌های حدیثی آنان آمده است که نمازگزار باید مانع عبور عابر از مقابل خود باشد به همین جهت وقتی در مکه یا مدینه از مقابل کسی که نماز می‌گذارد عبور کنید با اعتراض شدید او و دیگران روبرو می‌شوید اما از نظر شیعه عبور از مقابل نمازگزار حرام نیست.

نیایش در حماسه‌های بزرگ جهان

در شاهنامه فردوسی این اثر سترگ حماسی ایران باستان به‌وفور این واژه به معنای «تعظیم نمودن» است: در داستان سیاوش و گذر او از آتش زمانی که سیاوش می‌خواهد از آتش عبور نماید، بر اسبش سوار می‌شود و خود را آماده این گذر می‌نماید، قبل از ورود به آتش پیش کیکاووس می‌آید و از اسب پیاده شده و

در برابر پدر کرنش می‌کند. فردوسی آماده شدن او را برای گذر از آتش چنین توصیف می‌کند: هشیوار و با جامه‌های سپید

لبی پر ز خنده، دلی پر امید

یکی باره‌ای برنشسته سیاه

همی خاک نعلش برآمد به ماه

پراکنده کافور بر خویشتن

چنان چون بود رسم و ساز کفن

بدان گه که شد پیش کاووس باز

فرود آمد از باره بردش نماز»

(فردوسی، ۱۳۷۸، ۴۴۲)

در اینجا «نماز بردن» به معنای تعظیم و کرنش است نه به معنای عبادت و ستایش. نیایش، دعا و آفرین است. آفرین و دعای همراه بازاری بر معبود. (برهان قاطع) نماز و نیایش آیین بندگی در برابر ایزد و پروردگاری است که بشر او را می‌پرستد. خواه این خدا، خدای یکتا باشد همانند دین حنیف ابراهیم خواه بتی باشد ساخته‌ی دست بشر. «قهرمانان افسانه‌ای ساختن از پهلوانان و یا دانشمندان و یا رجال دینی، معلول حس تقدیس بشر است که دوست دارد موجودی قابل ستایش داشته باشد و او را عاشقانه و در حد مافوق طبیعی تقدیس نماید. ستایش‌های مبالغه‌آمیز بشر امروز از قهرمان‌های حزبی یا ملی، دم زدن از پرستش حزب، مرام، مسلک، پرچم، آب‌و‌خاک، احساس و میل به فداکاری در راه آنان معلول این حس است. احساس نیایش احساس عزیزی است به کمالی برتر که در او نقصی نیست و جمالی که

در آن زشتی وجود ندارد. پرستش مخلوقات به هر شکل، نوعی انحراف این حس از مسیر اصلی است» (مطهری، ۱۳۷۴، ۱۹).

«نیایش عمل حیاتی و متعارفی است که به وسیله آن، جزیره کوچک شخصیت ما وضع خود را در کل بزرگ تری از حیات اکتشاف می کند. عبادت و پرستش نشان دهنده یک امکان و یک میل در انسان است. امکان بیرون رفتن از مرز امور مادی و میل به پیوستن به افق بالاتر و وسیع تر. چنین میلی و چنین عشقی از مختصات انسان است» (همان منبع، ۲۰-۱۹). پرستش نوعی رابطه‌ی خاضعانه و سپاسگزارانه است که انسان با خدای خود برقرار می کند. پرستش جوششی است از اعماق ذرات عالم که عطر جان بخشش همه جا گسترده و پرتو انوارش هستی را روشن ساخته، پرستش ندای فطرت انسان، راز آفرینش واصلی ترین نیاز بشر است. عبادت سرلوحه تعالیم انبیاء و نشانه ایمان و عبودیت است، عبودیت حق تعالی مرتبه‌ای است که آدمی می تواند بدان مایل گردد. نماز نویدی برای فرزندان حضرت آدم (ع) است که: ای انسان، ای غمگین از هجران، از هبوط متأثر نباش، نماز معراج مومن است.

نیایش نیروی غریزی در درون و ذات و فطرت بشری است که همواره دوست دارد چیزی و یا کسی را مورد پرستش قرار دهد، آن گونه که انسان نیاز به خوردن و خوابیدن دارد، علاقه و

عشق ورزی به عبادت معبودی که برتر است از همان ابتدای خلقت در بنیت انسان نهاده شده، با هر مسلک و اعتقاد، در هر ملتی، با هر طینتی خواهان پرستش است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «و هنگامی که پرده تاریک شب جهان را در زیر پوشش خود قرارداد ستاره‌ای در برابر دیدگان او خودنمایی کرد، ابراهیم صدا زد این خدای من است. اما هنگامی که غروب کرد با قاطعیت تمام گفت من هیچ گاه غروب کنندگان را دوست نمی دارم و آن ها را شایسته عبودیت و ربوبیت نمی دانم.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۶۱۴) و این امر را هم چنان در مورد ماه و خورشید به اثبات می رساند درحالی که در آیین های ایران باستان، روم، هند و یونان نیز مانند بسیاری از ملت ها، پرستش عناصر طبیعت وجود داشته، در لابلای کتاب مهابهات پرستش عناصر اربعه، خدایان گوناگون و زمین آمده است، پس از پرستش خدایان، مهم ترین عنصر پرستش در آثار حماسی، آتش بوده است. «از برای غسل کردن به جانب دریا شتافت و بندگی آتش هم به جا آورد و آفتاب را نیز سجده کرد.» (جلالی نائینی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۴۵) و نیز پرستش زمین: «وقتی کردن زمین را ستایش کرد و پرسید که: ای زمین، خیل خانه دار را باید که دنیا و آخرت او را آراسته باشد» (همان منبع، ج ۴، ۱۱۵). درحالی که در ادبیات پارسی ایران، زمین از تقدیر و احترام ایرانیان خصوصی ایرانیانی که

۱. خاندان، دودمان، طایفه (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۴۷)

آیین زردشتی داشته‌اند، نسبت به آتش که یکی از پاک‌ترین و برترین عنصر از عناصر چهارگانه طبیعت است به کرات سخن به میان آمده و همه حاکی از آن است که ایرانیان پیش از اسلام نیز مانند دیگر ملل از عنصر آتش برای تقرب به معبود بهره می‌جسته‌اند، البته با این تفاوت که در آیین زردشت ایران باستان آتش بیشتر جنبه پاکی، احترام و تقدیس داشته، درحالی‌که در دیگر ملت‌های جهان معبودی است که می‌تواند هم چون خدایان دیگر بشر را به آرمان‌هایش نزدیک نماید و او را در تقرب به آرزوهایش مودی باشد. چرا که هدف بشری پس از عزت یافتن او، مسئله استجابت دعا و برآورده شدن حاجات وی است. «در ایران باستان آتش پس از کشفش به عنوان موجودی مقدس، حرمت یافت. آن زمان که هوشنگ پادشاه پیشدادی ایران برای کشتن مار و تصادم آن سنگ با سنگ دیگر و پدید آمدن آتش و سوختن مار و سپاس کردن هوشنگ خدای را و رسم جشن سده^۱ نهادن، که همگی نشان از آن است که آتش در ایران باستان بیشتر جنبه تقدیس داشته، تا این که به عنوان معبودی ازلی بخواهد موردپرستش قرارگیرد» (رک، شاهنامه، پادشاهی هوشنگ).

در ایران پس از اسلام که راز وجودی نماز و آیین نیایش مطرح می‌شود، خدا جنبه یکتایی می‌یابد و یکتاپرستی و خداپرستی جانشین بت

و سنگ‌هایی می‌گردد که با دست‌های بشر تراشیده شده، که منجمد و فسرده‌اند و از خود حرکتی ندارند و باید به دنبال معبودی روان شد که قادر توانا باشد و بشر مسلمان به این نکته دست می‌یابد که: «در خدا گم شو کمال این است و بس / گم‌شدن کم کن وصال این است و بس» (ملاهادی سبزواری، ۵۲۷) انسان اسلامی با وجود مقدس‌ترین کتاب آسمانی به چشمه‌ای دست می‌یابد که در آن به پرستش معبودی نایل می‌آید که حقیقتی است مطلق، غیرقابل انکار و فناپذیر. در آیین‌های مختلف بشری برای پرستش معبود واژه نماز و نیایش مفهوم می‌یابد. در آیین‌های جوامع رومی، هندی یونانی و عربی و غیره این آیین بیشتر به شیوهی برگزاری یک آیین همانند دیگر آیین‌هاست. در ایلیاد و اودیسه هومر، انه اید ویرژیل و مهابهارت سخنی از واژه نماز به میان نیامده بلکه بیشتر از واژه نیایش استفاده شده است و اگر عملی حمل بر نماز خواندن بشر باشد به صورت یک عمل خاص است که علاوه بر اوراد و اذکار، سجده هست و این نشان می‌دهد که بشر در هر جامعه‌ای می‌داند که باید در برابر معبود کرنش کرده و با احترام خاصی او را تقدیس نماید و با وی سخن گوید، «سجده می‌کنم کسی را که جمیع اوصاف موصوف است و چون روح در تن جمیع جانداران است، هر چه هست اوست» (جلالی نائینی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۵۲۶)

۱. از جشن‌های ایرانی که در آغاز شامگاه دهم بهمن ماه یعنی آبان روز از بهمن ماه برگزار می‌شود. (دایره المعارف مصاحب، ج ۱، ص ۱۲۷۸)

طهارت پاک نمودن بدن از ناپاکی‌ها و پلیدی‌های جسم است، آن لحظه که تصمیم بر آن می‌گیریم که با معبود راز و نیاز و ارتباط برقرار کنیم، در هر جامعه‌ای و در میان تمام ملل مقدمه صلوه است خواه نماز و خواه نیایش. در حماسه‌های ایرانی خصوصی در شاهنامه این عمل به صورت شستشوی سر و بدن انجام می‌گرفته و بیشتر به حالت غسل بوده و از این واژه‌ها به کرات در حماسه‌ها آمده، در مه‌ابهارت هندی نیز هرگاه از نیایش با پروردگار، خدایان، پرستش آتش و زمین و غیره یاد می‌کند از طهارت به عنوان یکی از مهم‌ترین آیین‌های نیایش سخن می‌گوید: «از این نوع اندوه من دی ز آن شب بر ایشان در درازی برابر صدسال شد چون روز شد به آیین خود به غسل و پرستش مقرری پرداختند، و به خادمان امر نمودند که اسبان و ارابه‌های سواری و ساز کارزار آماده سازند» (جلالی نائینی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۲۲۷) البته در مه‌ابهارت نه تنها پیش از انجام عبادت و نیایش بلکه، زمانی هم که می‌خواستند به کنار کشته‌های خود بروند این عمل را انجام می‌دادند و برای مردگان ارزش خاصی قائل بودند. «بعد از آن گاندهاری، مادر جودهن برخاست که بر سر جودهن برود و آن زمانی که شوهران آن‌ها کشته شده بودند همه موی ما گشاده نوحه کنان، به همراه گاندهاری متوجه شدند و به کنار گنگ رفتند و غسل کردند و از آنجا بر سر کشته‌های خود رفتند.» (همان منبع، ج ۲، ۴۹۷).

در حالی که در آیین اسلام سجده یکی از ارکان نماز است که اگر از نماز حذف شود نماز باطل است «و آن نزد اهل سر، سر تمام صلوه و تمام سر صلوه است و آخرین منزل قرب و منتهی‌النهاییه وصول است، بلکه آن را از مقامات و منازل نباید شمرد و از برای اصحاب آن، حال و وقتی است که جمیع اشارات از آن منقطع است و همه السن از آن گنگ است و تمام بیانات از مقام آن کوتاه است و هر کس اشاره‌ای به آن کند از آن بی‌خبر است و آن را که خبر شد خبری باز نیامد» (خمینی، ۱۳۸۷، ۹۹)

در آثار حماسی ایران، هند، روم، عرب، و یونان به آیین‌های مختلف بشری به هنگام نیایش و مکان‌ها و شیوه‌هایی که برای نیایش‌ها با معبود یکتا و یا عناصر اربعه در نظر گرفته شده اشاره می‌نماییم:

طهارت: آیین پیشدادی نیایش

«طهارت پاک گردیدن، نمازی بودن و پاک شدن است و نظافت و پاکیزگی» (فرهنگ دهخدا) «طهارت پاکی روح و جسم از هرچه آلودگی در برابر معبود ایستادن و نیایش با او با پاکی مهیا می‌شود طهارت، نماز صوری، و صورت نماز طهارت صوری و صورت طهارت است با آب مطلق که سر حیات است و منتهای تجلیات است پیش اصحاب معرفت و طهارت اهل ایمان تطهیر ظاهر است از ارجاس معاصی و اطلاق شهوت و غضب» (خمینی، ۱۳۸۷، ۳۴)

یکی از وجوه تمایز مه‌ابه‌ارت با دیگر حماسه‌ها این است که گاهی اوقات برای انجام عبادت و پرستش آتش به جای یک مرتبه، سه مرتبه غسل می‌نمودند، درحالی‌که در کتب دیگر حماسی، اگر غسلی هم صورت می‌گرفت یک‌بار بیشتر نبوده است و آن هم پیش از نیایش با معبود برای پاکی تن، که از مقدمات نیایش است: «در همه اوقات مقرر عبادت کند و روزه می‌داشته باشد و دل خود را برقرار دارد. و هرروز در وقت برآمدن و فرورفتن آفتاب، آتش و دیوتها را تعظیم و خدمت کرده و خواب بسیار نکند و در پیش او زمین بیوسد و بید بخواند از دیگران بشنو دو از خواندن و شنیدن بید دل خود را صاف و پاکیزه دارد: و هرروز سه مرتبه غسل کند و خدمت و پرستش آتش نماید.» (جلالی نائینی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۲۲۰۲).

برخلاف آیین نیایش در جوامع دیگر، خصوصا در ایران باستان و کنونی که تمیزی بدن فقط از طریق شستشو نبوده و ناخن گرفتن و تراشیدن موی سروصورت و حتی عطر زدن بر تن و بدن نشانه‌ی پاکی و طهارت است در آیین هند این کار دقیقه خلاف این بوده یعنی پیش از عبادت موهای سر و ریش را نمی‌تراشیدند و ناخن را نمی‌گرفتند اما سه بار در روز غسل می‌نمودند: «و موی سر و ریش و بروت^۱ و ناخن و موی بغل همه را بگذارد و نگیرد و در روز سه مرتبه غسل می‌کرده باشد.» (همان منبع، ج ۳، ۲۲۲).

علاوه بر غسل سر و تن، اعمال دیگری نیز در طهارت پیش از نیایش آمده، مانند شستن دست و صورت و نیز موی سر را شانه زدن و سرمه کشیدن و مسواک زدن که جز در آیین اسلام در حماسه‌های دیگر نمونه‌ای از برای آن ذکر نشده است: بعد از آن دست و رو بشوید و آنچه عبادت مقرری باید کرد به جا آورد و به همان طریق که عبادت صباح بکند در شام نیز عبادت کند و اول روز چند کار باید کرد اول موی سر را شانه کند و سرمه در چشم کند، مسواک زند و پرستش دیوتها بکند» (جلالی نائینی، ج ۲، ۱۲۵).

در شاهنامه‌ی فردوسی نیز اولین کاری که پادشاهان پس از به تخت نشستن انجام می‌دادند غسل کردن قبل از هرگونه نیایش با پروردگار بوده است. درواقع یکی از آیین‌های نیایش ایران باستان، در شاهنامه غسل بوده است.

وقتی که فریدون بر تخت پادشاهی نشست:
نیایش‌کنان شد سر و تن بشست

به پیش جاندار آمد نخست

همی آفرین خواند بر کردگار

بر آن شادمان گردش روزگار

(فردوسی، ۱۳۷۸، ۱۹۴)

و در آن هنگام که رستم برای جنگ با سهراب آماده می‌شود، نخست فروتن می‌شوید، سپس به نیایش با معبود خویش می‌پردازد:

بخورد آب و روی و تن و سر بش است

به پیش جهان آفرین شد نخست

همی خواست پیروزی و دست‌گاه

۱. موهایی که بر لب مرد روید، سیلت، سیبل. (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۵۱۵)

پیش از هرگونه نیایش، یکی از آیین‌های نیایش و به قصد طهارت جسم بوده است: «برای شستن دستان آب بیاورید و دستور بدهید که همگان در خاموشی و آرامشی آیینی فروروند، تا به نیایش زئوس کروئوس، پیردازیم، مگر دل بر ما فرو سوزد.» (هومر، ۱۳۷۷، ۱۹۲).

در ظفرنامه حمدالله مستوفی همان‌طور که از آیین اسلام برمی‌آید، وضو گرفتن پیش از نماز خواندن در برخی از ابیات آمده و آن شستن صورت، دست‌ها، مسح سر و پاها که از مقدمات نماز است و نماز راست نیاید مگر با وضوی صحیح:

خدا گفت: در دین ز روی نیاز

فریضه است کردن از این پس نماز

به هریک شبان روز پنجاه بار

پیمبر پذیرفت از کردگار

وضو کرد و آمد ز روی نیاز

بکردند با جماعت نماز

(حمدالله مستوفی، ج ۱، ۱۱۲-۱۱۰)

مکان‌های نیایش

«عبادت معبود در هر محلی امکان‌پذیر است، اما در فرهنگ‌های مختلف مکان‌هایی خاص برای این کار در نظر گرفته شده و آن پیش عامه مشهور است و شرایط آن در کتب فقیه مسطور. و در نزد اهل معرفت، همه عالم است و مصلا تمام موجودات است و در اسرار قرائت می‌آید انشا الله که جمیع عالم وجود به هویات وجود حامد و ثناگوی مقام مقدس حق تعالی هستند و خاضع

نبود آگه از بخشش هور و ماه

(همان منبع، ۴۰۵)

در اودیسه هومر، همانند شاهنامه و مه‌ابهارت سروتن را شستن به وقت دعا و نیایش جلوه‌ای خاص دارد:

«آفرودیت که لبخند شیرینی داشت به قبرس به‌سوی پانوس رفت، عبادتگاه و نماز گاه وی که عود در آن بود آنجا بود و در آنجا فرشتگان زیبایی پس از آن که سروتن را شستند، روغنی آسمانی بر او مالیدند، مانند همان روغنی که بر پیکر خدایانی که همیشه زنده‌اند و می‌درخشند.» (هومر، ۱۳۷۵، ۱۷۵).

در گرشاسب نامه اسدی طوسی نیز به شستن

سر و تن اشاراتی شده است:

چو بغنود آن گاه دیدی نخست

کزو شست تنشان ببايست شست

(اسدی طوسی، ۴۱۳۵، ۳۱۰)

وزو زان گروه خواست پوزش نخست

شد آن گه بدان چشمه و تن بشست

بر آیین خویش از گیا بست ازار^۱

خروشان شدش پیش یزدان به زار

براند آب دو چشم از آن چشمه بیش

همی خواست ز ایزد گناهان خویش

سرانجام لابه چو چندی شم رد

دو رخ بر زمین جان به یزدان سپرد

(اسدی طوسی، ۳۲۰)

در ایللیاد اثر ارزشمند هومر، شستن دست‌ها

۱. جامه یا شلوار پوشیدن از گیاه، آراسته شدن. (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۱۱)

و عابد درگاه اویند. و در اینجا باید دانست که عرش تحقق و قبه معبد موجودات است، و ارض تعیین سجده‌گاه آنان است و تمام موجودات در آن معبد تحت قبه‌ی محضر ربوبیت به عبادت حق مشغول‌اند و حق جو و حق خواه و حق پرستند. و در نزد اهل ولایت جمیع تعینات اسمایی و افعالی معبد حق تعالی است و مصلا خود ذات مقدس است.» (خمینی، ۵۶-۵۵) از نظرگاه برخی شاعران معاصر چون سهراب سپهری همه گستره‌ی زمین محل عبادت آفریدگان است و در هر مکانی می‌توان به عبادت پرداخت و آنجا که می‌گوید: «من مسلمانم، قبله‌ام یک گل سرخ، جانمازم چشمه، مهرم نور، دشت سجاده من» (سپهری، ۱۳۸۹، ۱۵۹) معبود در هر لحظه در تجلی است و دشت سجاده عابد، هر جا که دل بلرزد و از معبود یادی کند همان‌جا مصلا می‌اوست. در مه‌بهارت مکان‌هایی که عابدان و زاهدان برای نیایش با معبود خویش انتخاب می‌نمودند علاوه بر معابدی که در هند برای ذکر اوراد و اذکار و دعا‌های خود در نظرمی گرفتند بهترین مکان جنگل بوده است. مکانی که سرشار از یاد و ذکر محبوب است و این‌که جنگل یکی از مهم‌ترین و والاترین آفریده‌های الهی است و هرچه که در جنگل است یادآور معبود قادر و توانایی است که انسان می‌تواند در هر نقطه از آن پروردگار را شهود نماید و جای‌جای جنگل نظرگاه معشوق است. در جنگل محبوب با صد

هزار جلوه برونمی‌آید تا عاشق با صد هزار جلوه او را تماشا نماید: «چون روز شد طریقه عبادت را به روش‌های خود به‌جا آوردند. برهمین غریب از صاحب‌خانه رخصت شد و صاحب‌خانه زن و فرزند را وداع نموده متوجه مقصود گشت، و در راه هر جا که می‌رسید معبد‌ها را زیارت می‌کرد و با مردم خوب ملاقات می‌نمود.» (جلالی نائینی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۵۲۲).

«جدهشتر از کثرت کشتاری که جنگ به بار آورده بود وجدانش پریشان و مضطرب بود و در این اندیشه شد که به جنگل برود و به عبادت و ریاضت بپردازد.» (همان، ج ۴، ۹۸) در شاهنامه‌ی فردوسی بهترین مکان و محل برای عبادت و نیایش در آیین زردشت آتشگاه‌ها بوده که دکتر محمد معین در کتاب مزدیسنا و ادب پارسی جلد اول به تفصیل به این آتشگاه‌ها اشاره نموده است. در آیین زردشت همان‌طور که در سطور پیش بیان کردیم با کشف آتش و عظمت یافتن آن در نزد ایرانیان، آتش به آتشگاه‌ها برده شد و مورد پرستش و تعظیم قرار گرفت. و آتشکده مکانی بود که بعد از ظهور زردشت مطابق آیین مزدیسنا بی گشتاسب دستور داد تا در شهرهای مختلف بنا گردد و پرستشگاه زردشتیان باشد. در این آتشکده‌ها روحانیون دعا‌های مشخص‌شده‌ی پنج‌گانه روز و اعمال مذهبی را به‌جا می‌آوردند علاوه بر روحانیون و موبدان آیین زردشت افراد معمولی نیز می‌توانستند به آن آتشکده‌ها بروند

آورده است: «نام یکی از آتشکده‌های ایران قدیم در زمان ساسانیان که فرهنگ نویسان گویند در شیراز بوده، و چون موبدی برین آن را ساخته است بدین نام خوانده شده و در شاهنامه هم آذر خراد و هم آذر خرداد آمده معلوم نیست که هر دو یکی است و یکی از آن تحریف دیگری است یا این که دو آتشکده‌ی جداگانه بوده است فرهنگ نویسان این کلمه را نام فرشته‌ی پاسبان آتشکده‌ها نیز دانسته‌اند و رب‌النوع میوه و درخت بارور هم گفته‌اند. (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ۳۴۸).

چو آذر گشسب و چو خراد و مهر

فروزان چو بهرام و ناهید، چهر
در ظفرنامه حمدالله مستوفی یکی از
حماسه‌های اسلامی به محل عبادت مسلمانان
که مسجد و کعبه بوده اشاره شده نمازهای خود
را در این محل به جا می‌آوردند. «مسجد، نام
عمومی عبادتگاه مسلمانان است که در زمان
پیامبر مسجدالحرام بوده است» (به سرپرستی
مصاحب، ج ۲، ۲۷۶۴).

بیا تا سراسر به مسجد رویم

ز بهر پرستش به کعبه شویم
به کعبه گزاریم یکسر نماز
نماییم در پیش یزدان نیاز
برون شد ز خانه پیغمبر چو دید
که عمر ز مردی سخن گسترید
برفتند اسلامیان سربه‌سر

به کار پرستیدن دادگر
(حمدالله مستوفی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۷۹)

و دعا‌های مخصوص خود را خوانده و نیایش را
ادا نمایند.

کنون شاه با جام گیتی نمای

به پیش جهان‌آفرین شد به پای
چه مایه خروشید و کرد آفرین

به جشن یکان هرمز فروردین
پس آمد ز آتشکده باز گاه

کمر بست و بنشست بر پیشگاه
(فردوسی، ۱۳۷۸، ۸۱۶)

آتشکده‌های نام برده در شاهنامه فردوسی

۱- آذر برزین: نام آتشکده‌ای که در زمان
لهراسب بنا شده است:

یکی آذری ساخت برزین به نام

که بد با بزرگی و با فر و کام
(همان منبع، ۲۰۳۰)

۲- آذر گشسپ: به معنای آتش جهنده است و
آتش جهنده به معنای برق است که در شاهنامه
کیخسرو برپاکننده‌ی آن است.
نشست آن زمان شاه و لشکر بر اسب

بیامد سوی خان آذر گشسب
(همان منبع، ص ۱۰۵۶۹)

۳- آذر خراد: یکی از سه آتشکده‌ی نامی ایران
باستان و ویژه پیشوایان و دانایان و دبیران بوده
و نام‌های دیگر آن آذر فرنیغ، آذر خره، آذر خراد،
و آذرخرین خوانده شده است. (فرهنگ دهخدا).

دکتر معین در کتاب مزدیسنا و ادب فارسی خود
از قول سعید نفیسی در «فرهنگ‌نامه پارسی»

در بیت آخر مستوفی بر شیوهی فردوسی و حماسه‌های طبیعی سخن‌سرایی کرده و از واژه‌ی پرستیدن به‌جای عبادت کردن و دادگر به‌جای خداوند و یا پروردگار بهره برده است. در وفات حضرت خدیجه (س) هم به نماز خواندن در مسجد اشاره شده:

یکی روز چون شد به مسجد فراز

بیست اندر آن خانه عقد نماز

(همان منبع)

یکی دیگر از مکان‌های ویژه عبادت بندگان خدا در زمان اسلام و پیش از اسلام کوه حرا بوده است، مکانی که پیامبر (ص) با پروردگار یکتا به نجوا می‌نشست و نیایش می‌کرد:

به کوه حری مؤمنان چند تن

برفتند با سعد از آن انجمن

به کار پرستیدن کردگار

بکردند بروی نماز آشکار

کهن کافری بود آن جایگاه

از ایشان شد از کین دین رزم‌خواه

بزد سنگ‌بر سعدوقاص مرد

دو نوبت حق را همی سجده کرد

(حمدالله مستوفی، ج ۱، ۵۴)

در اودیسه هومر محل عبادت، با نام عبادتگاه و پرستشگاه همراه است و آن عبادتگاهی است به نام آپولون «روزی در ولوس نزدیک عبادتگاه آپولون پاجوش تازه‌رسته‌ای از نخل دیده‌ام که بهمین زیبایی رسته.» (هومر، ۱۳۷۵، ۱۳۵)

نظامی در اسکندرنامه تنها مکانی را به‌عنوان

محل نیایش یادکرده، طاعت گاه است:

به طاعت گاه آمد نیایش نمود

زبان را به شکر آزمایش نمود

(نظامی، ۱۳۶۸، ۴۰۰)

پرستشگاه‌هایی که در آن اید به آن اشاره شده است:

۱-پرستشگاه ژنون: «او انیک کالیه است،

راهبه پیر، در پرستشگاه ژنون، سپس در برابر

دیدگان تورنوس آن مرد جوان آشکار می‌گردد.»

(ویرژیل، ۱۳۷۵، ۲۷۳).

۲-پرستشگاه سپند: «هکتور این سخنان را

می‌گوید و از ژرفاهای سپند و وستای توانا در

دستان خویش، نوارهای آیینی او را نیز آتش

جاودانش را به همراه می‌آورد» (همان منبع، ۷۶).

۳-پرستشگاه ارگ: «در این هنگام است

که پانتوس، پوراوتریس و کاهن آپولون در

پرستشگاه ارگ، رسته از تیرهای آشایان،

سرگشته و آسیمه، به‌سوی سرای ما می‌شتابد،

و بدان فراز می‌آید، او چیزهای سپند پرستشگاه

و خدایان دژ شکسته‌ی ما را به همراه آورده

است» (همان، ۱۷۷).

۴-پرستشگاه وستا: «پس من، در آن هنگام

که دخت تیندار را دیدم که در آستانه‌ی پرستشگاه

وستا، در گوشه‌ای خموش نشسته بود و خود را

فرو می‌نهفت، تنها مانده بودم.» (همان، ص ۸۸).

۵-پرستشگاه آپولون: «به‌زودی، ستیغ ابر

آگین دماغه‌ی لوکات و پرستشگاه آپولون که

مخصوص ملت‌ها و سر به سجده آوردن را نام برد. در کتاب مه‌ابهات که از نوع حماسه‌های طبیعی است به چشم می‌خورد. گفت: بشوا متراول غسل بکن و شرایط ورد و دعای خود بخوان آن گاه به خوردن طعام مشغول شو بعد از آن اندر مناجات به درگاه حق سبحانه و تعالی کرد و برهن سر به سجده برد و خدای عز و جل را شکرها نمود. «جلالی نائینی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۱۳۷».

از اعمال عبادی هنگام دعا و نیایش در هند خواندن بید است که خاص هندوان بوده و در بسیاری از سطور مه‌ابهات آمده است و آن اوراد و اذکاری خاص هنگام نیایش است: «ای اشونهامان الا اثر محبت و احسان در تو نیست که تو امروز در مقام کارزار منی، براهمن را می‌باید که اوقات خود را به عبادت و ریاضت مصروف دارد و بید بخواند و کار چهرتری غیر از کمان داری چیز دیگری نیست» (همان منبع، ج ۲، ۳۸۱) علاوه بر خواندن بید، بخور کردن و چراغ روشن کردن نیز از اعمال عبادی هندوان محسوب می‌شود.

«در آسمان آگن هوم می‌کرد، و هیزم و دانه گل می‌آورد و در اول طعام خوردن بخش علی‌حده می‌نهاد و بخور و چراغ می‌داد و به این روش پرستش دیوت‌ها^۳ می‌نمود. چنان‌که در روی زمین بید^۴ می‌خواند در آسمان نیز خواندن گرفت.»

۳. از خدایان پرستیدنی هندوها. (مه‌ابهات، ج ۴، ص ۱۱۸)
۴. علمی است که به نام علم دنیا و دین نامیده شده است. (مه‌ابهات، ج ۴، ص ۷۶)

ملوانان پس از آن در هراسند و پروا می‌کنند در برابر دیدگانمان پدیدار می‌شود.» (همان، ص ۱۱۴).

پرستشگاه‌ها در ایلید هومر به نام‌های آپولون و آتنا:

۱- پرستشگاه آپولون: «آنان خود را پیراستند، آلودگی‌هایشان را در آب دریا فرافکندند، آیین نیایش را به جای آوردند و صد ورزا^۱ و بز پیراسته از پیس و لک راه، بر ماسه‌های دریا که تهی از کشت و ورز بود، به نام آپولون برخی^۲ گردانیدند.» (هومر، ۱۳۷۷، ۱۵).

۲- پرستشگاه آتنا: «او را بگویی که گروه‌هایی از زنان گران‌مایه و ارجمند را به پرستشگاه آتنا، خدایی که دیدگان زنگارگون دارد، ببرد همان پرستشگاه که بر بلندای شهر جای گرفته است، با کلید درهای آن سرای سپند را بگشاید» (همان منبع، ۱۳۲).

از عبارات فوق برمی‌آید که عبادتگاه‌ها در یونان در بالای بلندی‌ها ساخته می‌شده یعنی همان اعتقاد راسخ ایرانیان باستان که خداوند به کوه نزدیک‌تر است و بهترین مکان برای عبادت و نیایش است.

اعمال عبادی در حماسه‌ها

در جوامع مختلف برای نیایش باخدایان و نیز خدای یکتا، رفتارها و اعمال خاصی صورت می‌گرفته، که از آن جمله می‌توان به اوراد و ادعیه

۱. گاو نر آراسته و پیراسته از بیماری پوستی. (ایلید، ص ۱۵)

۲. قربانی، فدایی. (فرهنگ معین، ج ۱، ص ۵۰۰)

(همان، ج ۴، ۱۱۸) هومر در اودیسه به نماز خواندن یونانیان که بیشتر بر آتیه بوده اشاره کرده و این عمل با خوردن غذاها و مشروبات همراه بوده: «نستور پیرمرد گردونه ران، باده گوارایی را که زن پیشکار وی یازده سال پیش اندوخته و تازه سرپوش از روی آن برداشته بود، فرو ریخت. در جام آن را باهم درآمیخت و سپس چون به نوش خواری پرداخت با شوری نمازی برای آتیه دختر زئوس که پسری با خود داشت خواند» (هومر، ۱۳۷۵، ۶۳).

در اودیسه هومر که از نوع حماسه‌های طبیعی است نماز و نیایش به آن مفهوم که در حماسه‌های ایران باستان آمده نمود ندارد و نماز و نیایش بیشتر به صورت قربانی برای رب‌النوع‌ها و خصوصا نماز خواندن برای آتیه همسر اولیس قهرمان داستان اودیسه که رب‌النوع یونانیان به حساب می‌آید: «وقتی که آتیه و تلماک، همسر و فرزند اولیس پهلوان به شهر پیلوس رسیدند و مورد پذیرایی گرمی واقع شدند، درباره اولیس گفتگو کردند و نستور برای خدایان قربانی نمودند و برای آتیه نیز قربانی کردند، پس از برگزاری خوراک به آیین مذهبی تلماک به همراهی پسر نستور از راه خشکی به فرس و لاسدمون روانه شد. دختر زئوس درحالی که سپر به دست دارد نوشید، به آتیه گفت: ای بیگانه از شاماپوزئیدون درخواست کن این بزمی که می‌بیند به یاد او برپاشده است، چون از نوش خواری و نماز به آیین

ما برآسودی جام باده‌ای را که به شیرینی انگبین است به همسر خویش ده تا وی نیز همان کار را بکند، زیرا به گمانم وی نیز در برابر خدایان نماز می‌کند و همه مردم نیازمند خدایانند.» (همان منبع، ۴۹) علاوه بر قربانی کردن کندن مو و ریختن آن در آتش نیز از آداب زمان نیایش یونان باستان بوده است: «پیرمرد گردونه ران «نستور» قربانی را آغاز کرد و آب روشن و جو را فرو ریخت و نمازی پرشور برای آتیه می‌خواند و از سر خود موهایی برمی‌گرفت و در آتش می‌انداخت. همین که نماز خواندند و دانه‌های جو فرو ریختند، ترازید و لیر نزدیک قربانی شد و گردن آن را زده‌مان دم به آیین دینی ران‌های آن را یکسره بریدند.» (همان ۱۰۱).

در اسکندرنامه نظامی ابیاتی چند از نماز خواندن و مناجات و نیایش، قنوت خواندن به هنگام نماز و سجده کردن ذکر شده است:
برآورده موذن به اول قنوت

که سبحان حی الذی لایموت
(نظامی، ۱۳۶۸، ۷۹)

به فرمان شاه آن سخنگوی مرد نشست
و نشاننده را سجده کرد
(همان منبع، ۳۳۰)

در آنه اید سروده ویرژیل از اعمال مخصوص عبادت این بوده که در مهرابه‌ها پیمان‌های خود را با خدایان می‌بستند و به نشانه احترام و ادب پیش از هرگونه نیایش و پیش از ورود به پرستشگاه‌ها

شیوه‌ای آیینی سکوت را پاس می‌داشتند و گنجگاه‌های خود را با برگ‌ها می‌پوشاندند».

۱- سر پوشیدن در مهرابه‌ها

«و تو در مهرابه‌هایی که برگردند برخواهی افراشت، پیمان‌هایت را با خدایان به انجام خواهی رسانید، سرت را به پوششی ارغوانی ببوشان، از بیم آن که نگاهت، در میانه شرار ه‌های آتش سپند که به نام و یاد خدایان برافروخته‌ای بر چهره دشمنان بیفتد.» (ویرژیل، ۱۳۷۵، ۱۱۹).

۲- درآوردن کفش‌ها به هنگام حضور در مهرابه‌ها و گره لباس را باز نمودن

«دیدون خود کلوچه ی آیین برخی را در دستان پیراسته و پاکیزه‌اش گرفته است: و در نزدیکی مهراب کفش را از پا به درآورده است، او در این هنگام گره از کمر بند پیراهن برگشوده است و در آستانه‌ی مرگ، خدایان و ستارگان را، چنان شاهدان سرنوشت اندوه بارش به گواه می‌گیرد.» (همان منبع، ۱۶۰).

۳- برپایی آیین‌های نیایش، سوگ و بُرخی در مهرابه‌ها

«پیش از آن، دردازی نُه روز، مردم آیین خوان سوگ را بر پای داشته بودند و آیین‌های نیایش و بُرخی بر مهرابه‌ها به انجام رسیده بود.» (ویرژیل، ۲۰۴) در ایلید هومر همانند انه اید ویرژیل علاوه بر آیین‌های نیایش، برخی صورت می‌گرفت و ورزای را در آتش می‌سوزاندند و برای خدایان

سر را می‌پوشاندند و به احترام خدایان شراره‌های آتش در مهراب^۱ می‌افروختند، البته پوشاندن سر به این دلیل بوده که مبادا نگاهشان به چهره دشمن بیفتد و یا نشانه‌های آیین‌های نیک بی‌اثر شود. از دیگر اعمال مخصوص در این پرستشگاه‌ها آیین بُرخی یا همان آیین‌های قربانی است. از شایسته‌ترین رفتارها در برابر مهراب‌ها به هنگام نیایش همان‌طور که در سطور پیش سخن گفتیم، پوشاندن سر بوده با پوششی فریژی^۲ و به شیوه آیینی، هدایایی را که از سر نیایش و بزرگداشت بوده، به ژنون آرکوسی ارزانی می‌کرده‌اند، و نمازشان به این شیوه بود که پیمان خود را با خدایان در میان می‌گذاشتند و آنگاه به کار خود مشغول می‌شدند. از اعمال دیگر پیش از نیایش در میان رومیان باستان رسمی بوده که پیش‌خوان و رواق پرستشگاه‌ها را به آویزه‌ها و گل‌ها می‌آراستند و در آستانه‌ها با اظهار عجز و نیاز به نیایش با معبود می‌پرداختند. برگزاری آیین سوگواری از آیین‌های انجام‌شده در مهراب‌ها بوده که دسته‌های باشکوه نیایش‌گر را تشکیل می‌دادند و هدایای خود را به مهراب‌ها (پرستشگاه‌ها) می‌بردند. آن‌گونه که در کتاب‌های حماسی هومر نیز ذکر شد که یکی از مهم‌ترین آیین‌های نیایش در پرستشگاه‌ها آیین بُرخی یا آیین قربانی بوده، در هنگام قرار در پرستشگاه‌ها و مهراب‌ها به

۱. پرستشگاه‌های خدایان روم (انه اید، ص ۱۱۹)

۲. فریز، گیا. (فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۴۱)

خود به هنگام عبادت قربانی می‌کردند، در این عبادتگاه‌ها در میان خرگاه‌ها آتش می‌افروختند و دود می‌کردند و نذر و نیاز خود را می‌آوردند و ادا می‌نمودند و دست‌های خود را پیش از هرگونه نیایش می‌شستند و سعی می‌کردند نیایش با حالت خاموشی و آرامش برگزار شود. یکی از مراسمی که در این پرستشگاه‌ها معمول بوده «باژ» است: «خاموشی است که یونانیان به هنگام عبادت و نیایش انجام می‌دادند و یا کلیه دعاهایی که آهسته بر زبان می‌راندند.» (فرهنگ دهخدا) گاهی اوقات به هنگام غذا خوردن و بعضی مواقع در زمان شستن دست‌ها انجام می‌دادند که تفاوت باژ را در آیین زردشت مشخص می‌نماید: «سپاهیان نیایش کردند و دستانشان را به سوی خدایان برافروختند. پس هرکدام از آیبایان و تراواییان این باژ و نیایش را باژ گفت.» (هومر، ۱۳۷۷، ۷۰) «پس از وی، منلاس آتره‌ای زئوس پدر را باژ گفت و نیایش برد.» (همان منبع، ۳۸۱) در شاهنامه نیز خواندن اوراد و اذکار به هنگام نیایش با پروردگار به گونه‌هایی متفاوت است: از واژه‌ها و اورادی که به هنگام عبادت و یا خوردن چیزها بر زبان می‌راندند زمزم بوده است: «زمزم کلماتی است که آتش‌پرستان در محل ستایش باری تعالی و پرستش آتش و به هنگام شستن بدن بر زبان می‌راندند.» (برهان قاطع).

البته ذکر زمزم در هنگام غذا خوردن و تناول

خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها نیز مرسوم بوده، همانند دعاهایی که ایرانیان پیش از خوردن غذا و یا دعاهایی که مسیحیان بر زبان می‌رانند.

همی راز با کردگار جهان

به زمزم کنیم آفرین نهان

(فردوسی، ۱۳۷۸، ۱۰۵۲)

بزرگان همه گوهر افشانند

به زمزم همه آفرین خوانند

(همان منبع، ۱۷۷۰)

برسم نیز همانند زمزم از دعا‌های خاص ایرانیان باستان است که: «از کلمه برسمن اوستایی و مشتق از برز به معنی بالش و نمو. شاخه‌های بریده‌ی درخت است که هر یک را در پهلوی تاک و در فارسی تای گویند. و باید که رستنی باشد نه از فلز و از درختی پاکیزه و متأخران گویند از انار باید باشد، مراد از برسم گرفتن که در ایران قدیم بسیار است، دعا خواندن و اظهار سپاس کردن است نعمت‌های خداوند را از نباتات که مایه تغذیه است.» (فرهنگ دهخدا).

سروتن بشویم برسم به دست

چنان چون بود شاه یزدان پرست

(فردوسی، ۱۳۷۸، ۱۳۷۷)

یکی زند و دست آر با برسمت

بگو پاسخ از هرچه را واپرست

(فردوسی، ۱۴۲۰)

خواندن باژ در هنگام احترام گذاشتن و تعظیم

کردن بزرگان و پادشاهان نیز مرسوم بوده است:

به باژ اندر آمد به آتشکده

نهادند گاهی به زر آزده

(فردوسی، ص ۸۱۷)

بیامد یکی مرد مهتر پرست

به باغ از پی باژ و برسم به دست

(فردوسی، ۱۰۴۳)

در ایلپاد هومر: نیایش و عبادت یونانیان باستان بیشتر به جهت برآورده شدن حاجات انجام می شد و آیین های خاصی در پرستشگاه ها صورت می گرفت: «در میانه خرگاه ها آتش می افروختند و برخاستند هر کس، به نذر و نیاز نیایشی به درگاه یکی از خدایان کرد...» (هومر، ۱۳۷۷، ۴۱).

انجام سخن

بررسی نیایش و عبادت در آثار حماسی مذکور نشان می دهد که نماز و نیایش در هر جامعه و آیینی وجود داشته است، اما شیوه خواندن و نوع آن ها متفاوت بوده، در تمامی حماسه ها یکی از اعمال عبادی شستشوی دست ها و غسل سر و

بدن است پیش از هرگونه نیایش.

۱- ظفرنامه: از نمازهایی یادکرده است که در حماسه های دیگر هیچ نمونه ای از برای آن ذکر شده است.

۲- انه اید و اودیسه: از قربانی و برخی، قربانی گاوان نر که ورزشی نامیده می شدند سخن گفته است که آیین پیش از عبادت است.

۳- شاهنامه: در آن از آتشکده ها یادشده که در آثار دیگر نام پرستشگاه به خود گرفته است.

۴- مهابهارت: در آن از پرستش ماه و خورشید و زمین آمده اما در حماسه های دیگر پرستش خدای یکتا، خدایان و الهه ها هست.

۵- پوشاندن سر به وقت نیایش فقط در انه اید است و در حماسه های دیگر نمونه ای از برای آن نیست.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، زیر نظر آیت‌الله مشکینی، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم
- اسدی طوسی، ۴۱۳۵، گرشاسب نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، کتابخانه طهوری، چاپ سوم
- اشترین سالتز، آدین، ۱۳۸۳، سیری در تلمود، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان،
- اهل سنت واقعی کیست؟ تیجانی سماوی، ترجمه: سید محمد جواد مهری
- تیواری ۱۱۹-۱۲۰ (ارجاع دست دوم از ماهنامه معارف)
- جلالی نائینی، سید محمدرضا، و دکتر ن. س. شوکلا، مهابهارت، ۱۳۸۰، ترجمه میرغیاث الدین علی قزوینی، س شوکلا، انتشارات طهوری، ج ۱ و ۲ و ۳، چاپ دوم، پاییز
- حسن‌زاده، صادق، ۱۳۷۸، کلید بهشت، انتشارات لوح محفوظ
- الحضارة الاسلامیة؛ جعفر سبحانی
- خلف تبریزی، محمد، برهان قاطع
- خمینی، روح‌الله، سر صلوه، ۱۳۸۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ۱۳۷۷، دانشگاه تهران
- رستمی چافی، علی، ۱۳۷۸، نماز راز دوست، دارالثقلین
- سبزواری، ملاهادی، ۱۳۷۹، اسرارالحکم
- سپهری، سهراب، ۱۳۸۹، هشت کتاب، موسسه انتشارات آدینه سبز، چاپ دوم، زمستان
- عسکری، علامه، ۱۳۸۵، اندیشه‌های اسلامی در دیدگاه دو مکتب، ترجمه: دکتر جلیل تجلیل
- غمخوار یزدی، محمد جواد، ۱۳۸۰، جایگاه نماز در ادیان الهی، ناشر: نشرالف.
- فردوسی، شاهنامه، ۱۳۷۸، تصحیح ژول مول، مقدمه دکتر محمدامین ریاحی، انتشارات علمی، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶، چاپ اول
- قانع، سعید و یداللهی، مرتضی، ۱۳۸۶، زرتشت پیامبر ایران باستان، انتشارات به آفرین
- مستوفی، حمدالله ظفرنامه، ۱۳۷۸، مقدمه و تصحیح پروین باقری پژوهشگاه علوم انسانی ج ۱ و ۲
- مسعود نوروزی، محمد، ۱۳۹۰، مقدمه‌ای بر فلسفه نماز، انتشارات بین‌المللی یادآور، ص ۱۱۶
- مسعود نوروزی، محمد، ۱۳۹۰، نماز تو نیاز من (مقدمه‌ای بر فلسفه نماز)، ص ۴۶، انتشارات یادآور، چاپ سوم
- مصاحب، غلامحسین (به سرپرستی غلامحسین مصاحب) ۱۳۸۳، دایره المعارف فارسی، امیرکبیر
- مطهری، مرتضی، طهارت روح، ۱۳۷۴، گردآورنده حسین واعظی نژاد، ستاد اقامه نماز، چاپ سوم، پاییز
- معین، محمد، ۱۳۸۸، مزدیسنا در ادب فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ج یک
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، تفسیر نمونه، تحقیق و تنظیم احمدعلی بابایی، چاپخانه مروی
- نجفی کاشانی، علی، ۱۳۷۴، برداشتی از نماز، دفتر تبلیغات اسلامی
- نظامی، اسکندرنامه، ۱۳۶۸، تصحیح بهروز ثروتیان، موسسه انتشارات امیرکبیر
- ویرژیل، انه اید، ۱۳۷۵، ترجمه میرجلال الدین کزازی، نشر مرکز، چاپ دوم
- هومر، اودیسه، ۱۳۷۵، ترجمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات علمی-فرهنگی
- هومر، ایلیاد، ۱۳۷۷، ترجمه میرجلال الدین کزازی، تهران، نشر مرکز

- Fhrat. Nizami, noted this in his book Namaz, the Yoga of Islam (Bombay: D. B. Taraporevala, 1977)